

بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران فریقین درباره مصداق شاهد (هود: ۱۷)

اعظم خداپرست^۱، حامد دژآباد^{۲*}

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

۲. استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۸)

چکیده

آیه ۱۷ سوره هود از جمله آیاتی است که با اختلاف آرای شیعه و اهل سنت روبه‌رو شده است. برخی از مفسران اهل سنت ابوبکر را مصداق "شاهد" معرفی کرده‌اند و با استناد به قراین و دلایلی از انتساب این آیه به امیرالمؤمنین علیه السلام خودداری کرده‌اند. اما مفسران شیعی با اتکای به دلایل متقن برون‌متنی و درون‌متنی بر این باور هستند که حضرت علی علیه السلام مصداق روشن "شاهد" در آیه شریفه است. از جمله دلایل برون‌متنی، روایات متعدد و با طرق گوناگونی از آن حضرت، رسول خدا صلی الله علیه و آله، ائمه اطهار علیهم السلام و صحابه و تابعین است که در آنها، امیرالمؤمنین علیه السلام مصداق "شاهد" معرفی شده‌اند. دلایل درون‌متنی نیز بیان‌کننده هماهنگی ظاهر روایات مبین مصداق امیرالمؤمنین علیه السلام با ظاهر آیات ۱۷ سوره هود، ۴۳ سوره رعد و روایات نفس رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

واژگان کلیدی

آیه ۱۷ هود، ابوبکر، امام علی علیه السلام، اهل سنت، تالی، شاهد، شیعه.

طرح مسئله

در تفاسیر اهل سنت گاه تعدادی از آیاتی که در حوزه فضایل اهل بیت علیهم السلام است، به گونه‌ای تفسیر شده‌اند که کاملاً با تفاسیر شیعی متفاوت و متناقض هستند. آیه ۱۷ سوره هود از جمله همین آیات است. در این آیه شریفه خداوند متعال می‌فرماید:

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ».

شیعه همواره این آیه را شاهی بر حقانیت ائمه دانسته است (قندوزی حنفی، بی‌تا، ج ۳: ۳۲۵؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۹۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۰). اما اهل سنت در ضمن آرای متعدد خود ذیل فراز "شاهد" در آیه مذکور بر این باورند که ابوبکر مصداق "شاهد" است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹).

به‌همین دلیل آنان با اتکای به روایاتی در این زمینه و روایاتی که امیرالمؤمنین علیه السلام در آنها انتساب لفظ "شاهد" به خود را تکذیب می‌کند، به ضعف روایات مبین مصداق آن حضرت حکم داده‌اند و حتی برخی از آنان روایات وارده در این زمینه را شیعی دانسته‌اند (رشید رضا، ۱۴۲۷-۱۴۲۸، ج ۱۲: ۳۹).

این نوشتار در پی بررسی تمام ادله روایی ذکر شده از جانب اهل سنت و ادله روایی و دلالتی شیعه ذیل آیه شریفه است و پس از بررسی تطبیقی، دیدگاه صحیح را ارائه خواهد داد. پس از ذکر این مسئله، ابتدا دیدگاه اهل سنت را به تفصیل ذکر می‌کنیم و سپس به ارزیابی این دیدگاه خواهیم پرداخت.

۱. دیدگاه اهل سنت

اهل سنت درباره عنوان "شاهد" در آیه مذکور دچار اختلاف و تشتت آرا هستند. آنان براساس روایات در این زمینه نظرهای گوناگونی پیرامون این عنوان مطرح کرده‌اند. دلایل برون‌متنی برای اثبات مدعای آنان عبارتند از:

۱.۱. تطبیق لفظ "شاهد" بر ابوبکر

برخی از اهل سنت با استناد به روایتی، مقصود از شاهد در آیه شریفه را ابوبکر دانسته‌اند. ابوحنیفان اندلسی و به تبع وی آلوسی ذیل این فراز از آیه آورده‌اند: «و قیل هو ابوبکر رضی اللہ تعالی عنہ» (ابوحنیفان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹). برخی دیگر از اهل سنت با اتکای به دلایلی مدعی شده‌اند که انتساب این آیه به حضرت علی علیه السلام صحیح نیست. این دلایل عبارتند از:

۲.۱. تکذیب حضرت علی علیه السلام

در بعضی از روایات ذکر شده از سوی اهل سنت، امام علی علیه السلام انتساب این فراز از آیه به خود را تکذیب کرده‌اند و مقصود از "شاهد" را لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دانسته‌اند. در منابع اهل سنت به نقل از محمدبن حنفیه آمده است: قلت لأبی کرم اللہ تعالی وجهه (علی بن ابی طالب ع): إن الناس یزعمون فی قول اللہ تعالی: وَ یَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ أَنْتَ التَّالِي؟ قال: وددت أني هو و لكنه لسان محمد صلی اللہ علیہ و سلم (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۳۲۹؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۴۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۲۴؛ قرطبی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۰؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴).

۳.۱. تصریح برخی روایات به مصادیق دیگر: جمعی از مفسران اهل سنت در پی یافتن مصداق این فراز از آیه، به استناد روایات متعدد چندین مصداق برای لفظ "شاهد" معرفی کرده‌اند. این مصادیق عبارتند از:

الف) جبرئیل: با این استدلال که وی برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرآن تلاوت می‌کرد، پس او مصداق شاهد است. این دیدگاه بیشتر از طریق تابعینی چون مجاهد، سعیدبن جبیر، ابراهیم نخعی، ابی صالح و ضحاک نقل شده است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۱) و تنها در تفاسیر طبری و ابن ابی حاتم به ابن عباس نیز نسبت داده شده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۱).

ب) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: این روایات به دو بخش تقسیم می‌شود، بخشی از آنها لسان رسول خدا صلی الله علیه و آله را مصداق "شاهد" دانسته‌اند که پیش از این ذکر شد و بخش دیگری خود آن حضرت را مصداق "شاهد" می‌دانند.

ابن ابی حاتم و طبری با سند خود به نقل از امام حسین بن علی علیه السلام آورده‌اند: حدثنا ابن وکیع قال: ثنا ابو اسامة، عن عوف، عن سليمان العلاف، سمع الحسين بن علی: وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ يَقُول: محمد هو الشاهد من الله (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۱؛ و نیز نک: به ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۶۲؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۱۵۷).

ابوحیان اندلسی هم به نقل از امام حسن بن علی علیه السلام روایتی نقل کرده است: قال الحسن بن علی: هو الرسول (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۴).

ج) قرآن کریم: ابن جوزی، ثعلبی، بغدادی و بغوی در این زمینه ذکر کرده‌اند: قال الحسين بن الفضل: هو القرآن و نظمه و اعجازه (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۶۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۲؛ ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۷۸؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۴۴۳).

ابن ابی حاتم با سند خود این قول را به رحمان بن زید بن اسلم نسبت داده است و می‌گوید: اخبرنا ابويزيد القراطيسي فيما كتب إلي، ثنا اصبيغ بن الفرغ قال: سمعت عبد الرحمن بن زيد بن اسلم يقول في قول الله: اَفَمَنْ كَانَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ قَالَ: رسول الله صلى الله عليه و سلم كان على بينة من ربه و القرآن يتلوه شاهدا ايضا لأنه من رسول الله صلى الله عليه و سلم (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۵).

۴.۱. ضعف روایات مبین مصداق حضرت علی علیه السلام: برخی از مفسران اهل سنت ادعا کرده‌اند روایاتی که امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق لفظ "شاهد" دانسته است، حائز اهمیت و پذیرفتنی نیست. دلایل آنان بر این ادعا عبارتند از:

الف) ثابت نبودن قائل: ابن کثیر روایات مبین تطبیق مصداق "شاهد" بر امام علی علیه السلام را ضعیف شمرده است و می‌گوید: «و قيل هو علیّ و هو ضعيف لا يثبت له قائل» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۷۰).

ب) شیعی بودن مصادر روایی: نگارنده تفسیر المنار درباره روایات معرف امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان مصداق "شاهد" بیان می‌کند: «وَالَّذِي كَانَ يَتْلُوهُ بِهِ عَلَى النَّاسِ (وَمِنْهَا) أَنَّهُ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَرُوهُ الشَّيْعَةُ وَيُفَسِّرُونَهُ بِالْإِمَامَةِ» (رشید رضا، ۱۴۲۷-۱۴۲۸، ج ۱۲: ۳۹).

۲. بررسی و ارزیابی دیدگاه اهل سنت

۱.۲. بررسی انتساب "شاهد" به ابوبکر

ابوحيان اندلسی و آلوسی بر مبنای روایتی، مقصود از "شاهد" در آیه مذکور را ابوبکر دانسته بودند. اما این روایت به دلایل بسیاری پذیرفتنی نیست، از جمله:

اولاً: این روایت مرسل و فاقد سند است، پس استنادش نمی‌تواند.

ثانیاً: روایت مذکور قول شاذ و ضعیفی است، زیرا به جز ابوحيان اندلسی و آلوسی هیچ‌یک از مفسران مشهور اهل سنت به این قول اشاره نداشته‌اند و این دو شخص نیز این قول را ارجح ندانسته‌اند، بلکه تنها به ذکر این اقوال بسنده کرده‌اند (ابوحيان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹).

ثالثاً: برخی از مفسران اهل سنت این روایت را ساخته مخالفان شیعه دانسته‌اند که آنها را در تقابل با روایات امیرالمؤمنین علیه السلام جعل کرده‌اند. رشید رضا در این زمینه می‌گوید: «وَالَّذِي كَانَ يَتْلُوهُ بِهِ عَلَى النَّاسِ (وَمِنْهَا) أَنَّهُ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - يَرُوهُ الشَّيْعَةُ وَيُفَسِّرُونَهُ بِالْإِمَامَةِ، ... وَقَابَلَهُمْ خُصُومُهُمْ بِمِثْلِهَا فَقَالُوا: إِنَّهُ أَبُو بَكْرٍ» (رشید رضا، ۱۴۲۷-۱۴۲۸، ج ۱۲: ۳۹).

۲.۲. بررسی تکذیب حضرت علی علیه السلام: اسناد کامل روایاتی که از تکذیب امام علی علیه السلام

نسبت به مصداق "شاهد" برای خود حکایت می‌کند، به این شرح است:

طبری با سند خود در این موضوع می‌نویسد: حدثني محمد بن خلف، قال: ثنا حسين بن محمد، قال: ثنا شيبان، عن قتادة، عن عروة، عن محمد بن الحنفية، قال: قلت لأبي ابومحمد ابن الحنفية: يا أبت أنت التالى فى وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ قَالَ: لا والله يا بنى وددت أنى كنت أنا هو، ولكنه لسانه (طبرى، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۰).

طبرانی به نقل از پدرش می‌گوید: حدثنا عمرو بن علی الباهلی، ثنا محمد بن سوار، ثنا سعید ابن ابی عروبہ، عن قتادہ، عن عروہ، عن محمد بن علی بن ابی طالب قال: قلت لأبی: یا اباہ ویتلوہ شاهد منہ إن الناس یقولون: أنك انت هو قال: وددت أنى أنا هو لکنه لسانہ^۱ (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴).

در نقد این دو روایت که هر دو از قتاده از عروه از محمد بن علی بن ابی طالب نقل شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

اولاً: قتاده بن دعامه سدوسی از سوی برخی از رجالیون اهل سنت مدلس معرفی شده است. ذهبی درباره وی می‌گوید: «مدلس ورمی بالقدر، قاله یحیی بن معین» (ذهبی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۴۶۶).

همچنین بنا بر گزارشی از زید شحام، امام باقر علیه السلام قتاده را به دلیل تفسیر اشتباه قرآن سرزنش کرده است و می‌گوید: «... وَيَحْكُ يَا قَتَادَةَ إِنَّ كُنْتَ إِنَّمَا فَسَّرْتَ الْقُرْآنَ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِكَ فَقَدْ هَلَكْتَ وَأَهْلَكَتَ وَإِنْ كُنْتَ قَدْ فَسَّرْتَهُ مِنَ الرَّجَالِ فَقَدْ هَلَكْتَ وَأَهْلَكَتَ وَيَحْكُ يَا قَتَادَةَ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّبَ بِهِ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷: ۱۸۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۳۱۱).

ثانیاً: عروه بن زبیر از دشمنان حضرت علی علیه السلام، و جزو جاعلان حدیث در دوران بنی امیه (معاویه) بوده است. از فعالیت‌های اصلی این جاعلان، ساخت احادیثی برای پایین آوردن شأن و مقام امیرالمؤمنین علیه السلام بوده است. ابراهیم بن محمد ثقفی در کتاب الغارات خود در این زمینه می‌نویسد: «عروه بن زبیر از دشمنان امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و نسبت به ایشان کینه زیادی داشته و نیز او را سب می‌گفته است و حتی بنا بر نقل ابن ابی بر آن حضرت کذب و دروغ نیز می‌بسته است» (ثقفی، بی تا، ج ۳: ۲۸۰).

۱. طریق دیگری نیز از قتاده از عروه نقل شده است. حدثنا محمد بن أحمد بن لبید نا صفوان بن صالح ثنا الولید بن مسلم ثنا خلید بن دعلج عن قتادہ عن عروہ بن الزبیر عن محمد بن علی بن ابی طالب قال قلت لعلی بن ابی طالب إن الناس یزعمون فی قول الله جل ذکره ویتلوہ شاهد منہ أنك أنت التالی فقال وددت أنى أنا هو ولکنه لسان محمد صلی الله علیه و سلم (طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۷: ۵۳). به جز نقد سندی که ذکر شد، طبرانی پس از نقل این طریق، خود آن را نقد کرده است و می‌گوید: لم یرو هذا الحدیث عن قتادہ عن عروہ إلا خلید بن دعلج تفرد به الولید بن مسلم.

ابن ابی‌الحدید به نقل از ابوجعفر اسکافی با صراحت در این موضوع می‌گوید: «معاویه گروهی از صحابه و تابعین را گماشت تا احادیث دروغینی در طعن بر علی علیه السلام و بیزاری جستن از او بسازند و حقوقی هم برای آنان مقرر کرد. ابوهریره، عمروعاص، مغیره بن شعبه، از اصحاب و عروه بن زبیر از تابعان، از جمله افراد این گروه می‌باشند» (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۴: ۶۳).

البته قرینه دیگری مبنی بر کذاب بودن عروه وجود دارد و آن نقل ابن‌اثیر است. بر مبنای این نقل بعد از کشته شدن مختار، عروه از طرف عبدالله بن زبیر مأمور شد تا نزد محمدبن حنفیه برود و از وی برای برادرش بیعت بگیرد، او نیز در مواجهه با محمدبن حنفیه شدت عمل به خرج داده و به وی گفته است یا باید بیعت کند، یا اینکه او را به زندان می‌اندازد (ابن‌اثیر، بی تا، ج ۲: ۲۳۹؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳: ۲۹۴). بنابراین، دشمنی عروه با محمدبن حنفیه، خود دلیل مناسبی برای تردید در اقوال اوست.

ثالثاً: روایت دیگری از محمدبن حنفیه وجود دارد که وی در آن، امام علی علیه السلام را مصداق شاهد برشمرده است. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۵).

رابعاً: روایات فراوانی از حضرت علی علیه السلام در کتاب‌های اهل سنت ذکر شده که با این روایات در تعارض است. تقریباً اکثر اهل سنت به نقل از حضرت علی علیه السلام آورده‌اند که:

«ما من رجل من قریش الا نزل فيه طائفة من القرآن، فقال له رجل: ما نزل فيك؟ قال: اما تقرأ سورة هود أ فمن كان على بينة الآية من كان على بينة من ربه رسول الله صلى الله عليه وسلم و أنا شاهد منه؛ هیچ مردی از قریش نیست مگر آنکه چند آیه از قرآن درباره‌اش نازل شده. مردی از آن جناب پرسید در حق خودت چه آیه‌ای نازل شده؟ فرمود: مگر سوره هود را نخوانده‌ای آنجا که می‌فرماید: "أفمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه"، رسول خدا علیه السلام بر بینه‌ای از پروردگارش بود و من شاهدهی از او» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۴۴۳؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۵۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۲۴).

این روایت به طرق گوناگونی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است، از جمله: نقل منهال با سند متصل از عباد بن عبدالله (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۵). نقل فرآء با سند متصل از جابر عبدالله انصاری (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۷۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۲) و نقل جابر با سند متصل از عبدالله بن یحیی (طبری، ۱۳۷۲، ج ۱۲: ۱۱).

علاوه بر این روایات، روایت دیگری نیز وجود دارد که سند آن به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسد. پیامبر صلی الله علیه و آله در این روایت فرموده‌اند: «أَفَمَنْ كَانَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَنَا وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ عَلِيٌّ» (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۳۲۴).

در برخی از روایات نیز به‌طور صریح این فضیلت به حضرت علی علیه السلام اختصاص یافته است. ثعلبی با سند متصل خود دو روایت در این زمینه نقل می‌کند:

- أخبرني عبدالله الأنصاري عن القاضي ابوالحسين التصيري، ابو بكر السبيعي، علي بن محمد الدهان و الحسن بن إبراهيم الجصاص، قال الحسين بن حكيم، الحسين بن الحسن عن حنان عن الكلبي عن ابي صالح عن ابن عباس قال: أفمن كان على بيئته من ربه رسول الله صلى الله عليه وسلم و يتلوه شاهد منه على خاصة (رضي الله عنه) (ثعلبي، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۲).

- و به عن السبيعي عن علي بن ابراهيم بن محمد [العلوي]، عن الحسين بن الحكيم، عن اسماعيل بن صبيح، عن أبي الجارود، عن حبيب بن يسار، عن زاذان قال: سمعت عليا يقول: و الذي فلق الحبة و برأ النسمة لو ثبت لي و سادة فأجلست عليها لحكمت بين أهل التوراة بتوراتهم و بين أهل الإنجيل بإنجيلهم، و بين أهل الزبور بزبورهم، و بين أهل الفرقان بفرقانهم و الذي فلق الحبة و برأ النسمة ما من رجل من قريش جرت عليه المواسي إلا و أنا أعرف به يساق إلى جنة أو يقاد إلى نار. فقام رجل فقال: ما آيتك يا أمير المؤمنين التي نزلت فيك؟ قال: أفمن كان على بيئته من ربه و يتلوه شاهد منه رسول الله صلى الله عليه وسلم على بيئته من ربه و أنا شاهد منه؛ زاذان از علی علیه السلام شنیده است: سوگند به آنکه دانه را شکافت و موجودات زنده را آفرید، اگر مسندی برای من نهاده شود، در بین توراتیان به توراتشان، و در بین انجیلیان به انجیلشان و در بین

زبوریان به زبورشان و در بین قرآنیان به قرآنشان داوری می‌کنم. سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچ قریش سر تراشیده‌ای نیست (کنایه از هر فردی)، جز آنکه آیه‌ای را که او را به سوی بهشت می‌راند یا به دوزخ می‌کشاند، می‌دانم. مردی برخاست و گفت: امیرالمؤمنین چه آیه‌ای دربارهٔ شما نازل گشته است؟ و امام فرمود: «رَأَيْتُ أَقْمَنُ كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» رسول‌الله ﷺ بر بینه‌ای از پروردگارش است و من شاهدی از اویم (همان).

۳.۲. بررسی روایات دربارهٔ مصداق دیگر شاهد: گفته شد که جمعی از مفسران اهل سنت مصداقی برای لفظ "شاهد" در آیهٔ شریفه ذکر کرده‌اند. اما این مصداق چنانکه با مصداق امیرالمؤمنین ﷺ در تناقض است، در تعارض با یکدیگر هم هستند و این سخن یعنی تنها یکی از این مصداق صحیح است^۱ که ارزیابی این روایات چنین خواهد بود:

الف) جبرئیل: روایاتی که جبرئیل را مصداق "شاهد" دانسته بودند تنها از سوی تابعین نقل شده‌اند، جز دو روایت که سند آن به صحابی معروف، ابن عباس می‌رسید. دربارهٔ روایات تابعین باید گفت که روایات سعید بن جبیر، ابی صالح و ضحاک قابلیت استناد ندارند. چرا که این روایات مرسل و فاقد سند و بنابراین ضعیف هستند. همچنین این احادیث مرفوع به معصوم هم نیستند و با روایات صحیح‌السندی که با طرق متعدد در منابع فریقین نقل شده است - که در ادامه ذکر خواهند شد - در تعارضند.

روایات منسوب به ابن عباس نیز به دلایل زیر جای مناقشه دارند:

اولاً: عمران بن داور ابوالعوام القطان با عباراتی چون ضعیف (ذهبی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۴۶۶) و "لیس بشیء" (ابن جوزی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۲۲۰) مجروح شده است. همچنین وی بنا به نظر ابن حجر عسقلانی به رأی خوارج است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۴۲۹).

۱. علامه طباطبایی هم معتقد است که تنها یکی از این وجوه صحیح بوده و وجوه دیگر باطل است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۸۵).

ثانیاً: عکرمه درسند اول تضعیف شده است. ابن جوزی از قول ابی ذئب او را غیرثقه می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۸۲) و ذهبی وی را متهم به رأی فرقه خوارج می‌داند (ذهبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۳۸).

ثالثاً: افراد سند دوم که همگی از یک خاندانند، مجروح هستند. زیرا چنانکه محمدبن سعدبن محمدبن حسن عطیة عوفی در این سند، لین‌الحديث خوانده شده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۵: ۱۷۴) جدّ وی یعنی عطیة بن سعد عوفی نیز از ناحیة اهل سنت با عباراتی چون ضعیف جداً و لم یحتج له واحد (هیثمی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۶۲)، ضعیف‌الحديث و لین (ابن ابی‌حاتم، ۱۲۷۱، ج ۶: ۳۸۲)، ضعیف‌الحفظ و مشهور بالتدلیس‌القبیح (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا، ج ۱: ۵۰) تضعیف شده است.

رابعاً: ناقلان روایات جبرئیل در روایات متعارض آن نیز به چشم می‌خورند. برای نمونه قتاده که در این حدیث جبرئیل را مصداق شاهد می‌داند، در حدیثی که پیش از این نقد شد، لسان رسول خدا را مصداق "شاهد" دانسته است (ابن ابی‌حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴) یا ابن عباس که در دو روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق "شاهد" دانسته است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۶۵). این مطلب گویای آن است که احتمال جعل یا اجتهاد شخصی راوی در این روایات وجود دارد.

در پایان باید گفت که بررسی روایات تطبیق مصداق "شاهد" بر جبرئیل، نتایج زیر را به ارمغان می‌آورد:

الف) با دقت در این روایات می‌توان دریافت که هیچ‌کدام از آنها مرفوع به معصوم نیست. به جز این اکثر این روایات مرسل است و سند آن حتی به صحابه هم نمی‌رسد.

ب) ناقلان این روایات، مورد جرح و تضعیف اهل سنت هستند. تدلیس و اجتهاد در احادیث آنان به‌طور آشکاری مشخص است، به‌گونه‌ای که به جرأت می‌توان به ضعف و مخدوش بودن این روایات حکم داد و در نهایت از همه آنها چشم پوشید.

ج) این مصداق با برخی از تفاسیر و روایات وارده در این زمینه ناسازگار است که مقصود از "یتلوه" در آیه شریفه را "یتبعوه" می‌داند.^۱

د) پیامبر اکرم علیه السلام: روایات این مصداق نیز به دو بخش تقسیم شده بود، بخشی از آنها لسان رسول خدا را مصداق شاهد می‌دانست که نقد آنها پیش از این گذشت. اما دو روایت خود آن حضرت را مصداق شاهد دانسته بود.

این دو روایت نیز مناقشه‌پذیرند از جمله: اولاً اینکه سفیان بن وکیع در سند اول به شدت تضعیف شده است (هیثمی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۳۶؛ نسائی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۵۵). ابن ابی حاتم علت ضعف وی را کذاب بودن، سرقت احادیث و لین بودن وی می‌داند (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱، ج ۴: ۲۳۱). در این مورد ابن حجر عسقلانی صریحاً بیان می‌کند که سفیان، مطالبی غیر از حدیث را می‌نوشته و به همین دلیل احادیثش پذیرفته نشده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۲۴۵).

همچنین شاهد دیگر بر کذاب بودن وی روایات دیگری از او هستند که ضمن آن ملک محافظ قرآن را مصداق "شاهد" در آیه شریفه دانسته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۲؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴).

ثانیاً: ائمه اطهار همواره امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان مصداق شاهد در روایات ذکر کرده‌اند، روایات حضرت علی علیه السلام که پیش از این ذکر شد و اما امام باقر علیه السلام در روایت

۱. أنه (شاهد) علی بن ابی طالب. و «یتلوه» بمعنى یتبعه، رواه جماعة عن علی بن ابی طالب و به قال محمد بن علی، و زید بن علی. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۶۳؛ و نیز غرناطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۶۷). توضیح آنکه اگر "یتلوه" به معنای "یتبعوه" باشد، اثبات می‌شود که شاهد مورد نظر در آیه - در ادامه نوشتار به اثبات این مطلب پرداخته می‌شود - جانشین و تالی پیامبر علیه السلام است.

به جز این وقتی مقصود از فراز اول آیه یعنی "أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ" رسول خدا علیه السلام باشد، مقصود از شاهد در فراز دوم یعنی "وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ" نمی‌تواند جبرئیل باشد، چرا که با توجه به لفظ «منه»، که شاهد را از رسول خدا می‌داند و اینکه جبرئیل از سنخ و جنس رسول خدا علیه السلام نیست، بطلان این نظر به اثبات می‌رسد (نک: ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۰: ۲۴۷).

زیدبن سلام جعفری (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۹۱) و امام رضا علیه السلام در روایت احمدبن عمرحلال (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۰)، امام علی علیه السلام را تنها مصداق "شاهد" معرفی کرده‌اند. همچنین این روایت از امام حسن علیه السلام با خطبه‌ای که آن حضرت پس از موافقت با صلح معاویه بیان داشتند و ضمن آن پدر بزرگوارشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به‌عنوان "شاهد" در آیه مذکور معرفی کرده‌اند، در تعارض قرار می‌گیرد (قندوزی حنفی، بی تا، ج ۳: ۳۲۵).

ثالثاً: روایت دوم فاقد سند و مرسل است، پس استنادش نیست.

رابعاً: وقتی اثبات شود که فراز اول آیه یعنی عبارت «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ» درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، به‌طور قطع فراز دوم آن، شخصی جز ایشان است. در پایان توجه به این نکته ضروری خواهد بود که برخی از مفسران اهل سنت معتقدند در میان تمام این مصداقیق، تنها دو مصداق جبرئیل و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از صحت بیشتری برخوردارند^۱ به‌همین دلیل با رد دو مصداق فوق، باید به دنبال مصداقی بود که همچنانکه شهرت بیشتری دارد، با ظاهر آیه نیز سازگاری داشته باشد.

ه) قرآن کریم: دو روایت در این زمینه به نقل از حسین بن فضل و عبدالرحمن بن زید بن اسلم نقل شده بود:

در نقد این روایات باید گفت که: اولاً، روایت اول مرسل و فاقد سند است و به‌همین علت ضعیف است؛ ثانیاً، در روایت دوم عبدالرحمن بن زیدبن اسلم از جانب اهل سنت با عبارات "ضعیف"، "ضعیف‌الحديث" و "لیس بقوی‌الحديث" تضعیف شده است (ابن ابی حاتم، ۱۲۷۱، ج ۵: ۲۳۳؛ و نیز نک: بخاری، ۱۳۹۶، ج ۱: ۷۱؛ اصبهانی، ۱۴۰۵، ج ۱: ۱۰۲؛ نسائی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۶۶). همچنین در المجروحین ابن حبان درباره وی آمده است: «عبدالرحمن بن زیدبن اسلم..کان ممن یقلب الأخبار و هو لایعلم حتی کثر ذلک فی روايته من رفع المراسیل و اسنادالموقوف فاستحق الترتک» (ابن حبان، بی تا، ج ۲: ۵۷).

۱. طبری مصداق جبرئیل را قول اصح دانسته است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۲) و ابن کثیر دو قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جبرئیل را با هم حق می‌داند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۷۰).

بنابراین تطبیق مصداق "شاهد" بر قرآن کریم نیز محل اشکال خواهد بود. زیرا سند روایات مبین این قول ضعیف است. همچنین این مصداق نسبت به مصادیقی که تاکنون ذکر شد، شهرت کمتری دارد. زیرا نقل آن از سوی برخی از اهل سنت نیز تنها بر دو روایت فوق استوار است. نکتهٔ شایان توجه در این رابطه ناسازگاری مصداق قرآن با ظاهر آیهٔ شریفه است. زیرا چنانکه در ادامهٔ نوشتار ذکر می‌شود، قرآن مصداق روشن "بینه" است، لذا لفظ "شاهد" به قرآن بازنمی‌گردد. به جز این، به طور مسلم قرآن از جانب جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شده است و چون با توجه به روایت دوم، لفظ "منه" به رسول خدا برمی‌گردد، بطلان این نظر به اثبات می‌رسد.^۱

۴.۲. بررسی ضعف روایات مبین مصداق حضرت علی ﷺ

گفته شد که برخی از مفسران اهل سنت مصداق امیرالمؤمنین ﷺ را نپذیرفته‌اند و به دنبال آن با ذکر دلایلی سعی در پیشبرد رأی خویش داشته‌اند. در ادامه به بررسی هر کدام از این دلایل می‌پردازیم.

الف) عدم دلیل برای مصداق امیرمؤمنان ﷺ: گفته شد که ابن کثیر قول امام علی ﷺ را برای لفظ شاهد، ضعیف شمرده است و می‌گوید: «و قیل هو علی و هو ضعیف لا یثبت له قائل» (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۴: ۲۷۰). این ادعا دست‌کم به سه دلیل باطل است:

۱. روایات دیگری نیز وجود دارند که بیان می‌کنند مقصود از شاهد ملک محافظ قرآن است. تمام این روایات از مجاهد نقل شده است. از جمله: - قال: ثنا محمد بن بکر، عن ابن جریج، عن سمع مجاهد: وَ یَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ قَالَ: الْمَلِكُ (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۲: ۱۲). - حدثنا حجاج بن حمزة، ثنا شبابة، ثنا ورقاء، عن ابن أبي نجيح، عن مجاهد، قوله: وَ یَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ معه حافظ من الله ملک (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۶: ۲۰۱۴). این روایات نیز ضعیف هستند؛ چراکه به جز اشکالات سندی از جانب اهل سنت هم تضعیف شده‌اند. اشکال‌های این روایت عبارتند از اولاً، مجاهد از تابعین است و حدیث وی مرسل و استنادناپذیر است؛ ثانیاً ابن ابی جریج و ابن ابی نجیح هر دو متهم به تدلیس هستند (ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۱: ۶۳؛ سیوطی، بی تا، ج ۱: ۶۸)؛ ثالثاً ابن عطیه اندلسی معتقد است این ملک همان جبرئیل است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۳: ۱۵۷). رشید رضا نیز با صراحت بیان می‌دارد که روایات مبین این قول ضعیف‌الروایهٔ والدرايهٔ هستند (رشید رضا، ۱۴۲۷-۱۴۲۸، ج ۱۲: ۳۹).

اول- استناد به مصادر اهل سنت: پیش از این، شواهدی از کتاب‌های اهل سنت مبنی بر تصریح امیرالمؤمنین علیه السلام بر تطبیق مصداق مذکور بر خود ذکر شد. علاوه بر آنها غرناطی در تفسیر خود پس از آنکه قول امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می‌کند، این قول را مقدم و ارجح می‌داند (غرناطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۶۸). حاکم حسکانی هم که به روایاتی با سند متصل در این زمینه اشاره کرده، روایات خود را از طریق صحابه‌ای چون امام علی علیه السلام (در اکثر روایات)، ابن عباس با ۴ طریق و نیز با طریق واحدی از انس بن مالک- که طرق همه آنها مستقل است- و تابعینی چون عباد بن عبدالله، ابی اسحاق، حارث، ابی طفیل، عبدالله بن نجی، زاذان و ابوالجارود، مستند کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۵۹-۳۶۹).

در این زمینه، علامه شوشتری حدود ۲۰ تن از بزرگان اهل سنت را نام برده است که روایات نزول لفظ "شاهد" بر امیرالمؤمنین علیه السلام را ذکر کرده‌اند. در این میان افرادی چون علامه گنجی در کفایه الطالب، علامه نیشابوری در تفسیرش، ابن مردویه و ابن ابی حاتم، صاحب فتح البیان، علامه خازن در تفسیر خود و ابونعیم و واقدی به چشم می‌خورند (شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۳: ۳۵۳-۳۵۶).

بنابراین با توجه به مطالب مذکور، می‌توان شهرت روایات مصداق امیرالمؤمنین علیه السلام را به اثبات رساند. زیرا اولاً طرق بسیاری از این روایات متعدد است. مانند روایت «ما من رجل من قریش الا نزل فيه طائفة من القرآن...» که پیش از این ذکر شد و نیز روایاتی که حاکم حسکانی ذکر کرده است؛ ثانیاً همان‌گونه که علامه طباطبایی بیان کرده، راویان سنی این روایات بیشتر از راویان شیعه است^۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۹۶).

دوم- استناد به مصادر شیعی: بزرگان شیعه از دیرباز تنها امیرالمؤمنین علیه السلام را مصداق روشن این آیه دانسته‌اند و جز آن حضرت مصداق دیگری را نپذیرفته‌اند. همچنین آنان این آیه را یکی از آیات بیان‌کننده خلافت و ولایت آن حضرت می‌دانند، چرا که در روایات مربوط به این مطلب اشاره شده است.

۱. (دقت در مصادر روایی اهل سنت در این پژوهش نیز، روشنگر این مسئله است).

بر این اساس فرات کوفی در تفسیر خود ۹ روایت با سند متصل ذکر کرده که در تمام آنها رسول خدا ﷺ مصداق «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ» و امیرالمؤمنین ﷺ مصداق «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» است. در برخی از این روایات اشاره شده که آن حضرت به‌عنوان تالی و جانشین پیامبر ﷺ و «یتلوه» نیز به‌معنای «یتبعوه» است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۱۸۶-۱۹۱).

همچنین کلینی به روایتی از امام رضا ﷺ در این زمینه اشاره کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۹۰). شیخ مفید در امالی با سند متصل خود از عبادبن عبدالله این روایت را از امیرالمؤمنین ﷺ از رسول خدا نقل می‌کند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۵). شیخ طوسی به خطبه امیرالمؤمنین ﷺ در این زمینه تصریح می‌کند که آن حضرت در آن خود را آگاه‌ترین افراد به دانش تفسیر می‌داند و در پایان اشاره می‌کند که مقصود از «شاهد» خود ایشان بوده، چرا که آن حضرت از پیامبر ﷺ «منه» است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۳۷۱؛ و نیز نک: ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲: ۲۸۷).

ابن شهر آشوب به روایات بسیاری در این زمینه اشاره می‌کند. از جمله روایاتی از امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا (علیهم‌السلام) و نیز روایات جابر بن عبدالله و اصبغ (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۸۵). ابن‌شاذان قمی نیز در الفضائل روایتی از جابر ذکر کرده است (ابن‌شاذان قمی، ۱۳۶۳: ۱۳۸).

علامه حلی معتقد است که جمهور شیعه و اهل سنت این آیه را درباره امیرالمؤمنین ﷺ دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۹۸۲: ۱۹۵). علامه مجلسی در بحارالانوار با سندی از ابی‌معمر سعدانی از امام علی ﷺ مصداق شاهد را آشکار می‌کند (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۵۰). از مفسران شیعی نیز علامه طباطبایی در تفسیر خود، مقصود از شاهد را از باب تطبیق - نه استعمال - علی بن ابی‌طالب ﷺ می‌داند و این نظر را به جمهور شیعه و اهل سنت منسوب می‌کند. آنگاه بیان می‌دارد که مصادیق دیگری که برخی از اهل سنت ذیل لفظ شاهد ذکر کرده‌اند، به دلیل مخالفت با سیاق و ظاهر آیات باطل است. در پایان ایشان به

روایاتی از شیعه و اهل سنت برای تصدیق دیدگاه خویش استناد می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۸۵ و ۱۹۴).

همچنین بحرانی در البرهان ۲۳ روایت از کتب شیعه و اهل سنت در این موضوع جمع‌آوری کرده است (بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۹۰-۹۶). فیض کاشانی به استناد روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام این آیه را بالاترین منقبت در فضل آن حضرت معرفی می‌کند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۳۷).

سوم- اثبات هماهنگی با ظاهر آیه شریفه: برای اثبات مطلب مورد نظر در این بخش دو فراز از آیه بررسی می‌شود.

- فراز «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ». دو سؤال در این فراز مطرح است: ۱. مقصود از

فردی که «بر بینه‌ای از پروردگارش است» کیست؟ ۲. این بینه چیست؟

در پاسخ به سؤال اول باید توجه داشت که نظر ارجح اکثر مفسران اهل سنت درباره فردی که بر بینه‌ای از پروردگارش است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده و در این قول اختلافی میان آنان نیست. افرادی چون فخر رازی، بغوی، ثعلبی، غرناطی، ابن جوزی، مقاتل بن سلیمان و بیضاوی این قول را اصح دانسته و آن را پذیرفته‌اند^۱ (رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۷: ۳۳۰؛ بغوی، ۱۴۲۰، ج ۲: ۴۴۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۱؛ غرناطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۶۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۲: ۳۶۲؛ مقاتل، ۱۴۲۳، ج ۲: ۲۷۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۳۱). در میان شیعه نیز این قول، تنها قول پذیرفته شده است.^۲

۱. ابن جوزی بیان می‌کند که این نظر، نظر جمهور اهل سنت است.

۲. نک: کتب شیعه که پیش از این ذکر شد. علامه طباطبایی در این زمینه می‌گوید: «اینکه بعضی گفته‌اند منظور از کلمه "من کان..."».

خصوص رسول خدا صلی الله علیه و آله است، به این معنا که اراده استعمالی، آن جناب را مخصوص کرده به اینکه معنای کلمه خاص باشد، سخن درستی نیست و اگر آن جناب منظور هست، به دلیل این است که مورد با آن جناب منطبق می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۸۴).

در پاسخ به سؤال دوم هم باید گفت که بنا بر نظر شیعه و اهل سنت، مقصود از "بینه" بصیرت الهی و حجت و فاصل میان حق و باطل است که خداوند به رسول خدا ﷺ عطا کرده بود و مصداق اکمل آن نیز قرآن کریم است^۱ (نک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۸؛ غرناطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۶۷؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۱۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۲۲۵). لذا اقوال متعددی که اهل سنت ذیل این لفظ بیان کرده‌اند در همین مسئله ریشه دارد.

- فراز «وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ»: پیش از این ذیل ادلهٔ روایی به‌طور مفصل بیان شد که مقصود از "شاهد" کسی جز امیرالمؤمنین ﷺ نبوده است. حال به بررسی ادلهٔ دلالتی در این زمینه، پرداخته می‌شود.

- لفظ "یتلوه": ریشهٔ کلمهٔ "یتلوه" از تلو است، نه از تلاوة (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۸۵؛ سید بن طاووس، بی‌تا: ۷۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۶: ۲۲۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۴۴۷؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۵: ۱۶۱؛ غرناطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۳۶۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۱۳۱) لذا معنای آن تبعیت و از پی رفتن است.^۲ و این معنا درست همان معنایی محسوب می‌شود که از روایات مبین مصداق امیرالمؤمنین ﷺ برمی‌آید. زیرا در برخی از آن روایات بیان شد که این آیه در پی معرفی جانشین رسول خدا ﷺ است. پس معنای این فراز آن خواهد بود که امام علی ﷺ تالی و جانشین و دنباله‌رو رسول خدا ﷺ است.

- لفظ "شاهد": امام علی ﷺ تنها در آیهٔ ۱۷ سورهٔ هود با عنوان "شاهد" یاد نشده است. بلکه آیهٔ ۴۳ رعد نیز از آن حضرت با عنوان "شاهد" یاد می‌کند. این آیه می‌فرماید:

۱. علامه در تشریح این نظر می‌گوید: «منظور از بینه، آن بصیرت الهی است که خدای تعالی به نفس رسول‌الله ﷺ داده بود، نه خود قرآن کریم که بر آن جناب نازل فرمود، برای اینکه علی‌الظاهر اگر منظور، قرآن بود، درست نبود که جملهٔ "فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ"، بر آن متفرع شود (برای اینکه درست نیست که به آن جناب بفرماید: تو دارای قرآنی هستی که از ناحیهٔ پروردگارت به تو داده شده، پس در آن تردید مکن و این بر کسی پوشیده نیست) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۱۸۴).

۲. اهل لغت در این معنا اختلافی ندارند. نک: مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۹۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۷۰؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۸: ۱۳۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۶۷.

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ؛ کسانی که کافر شدند، می‌گویند تو فرستاده خدا نیستی، بگو خدا و آن کس که علم کتاب نزد اوست، برای گواهی میان من و شما بس است». بر اساس روایات وارده مقصود از عبارت "من عنده علم الكتاب" که یکی از شاهدان رسول خدا ﷺ است، امام علی ﷺ خواهد بود.^۱

- لفظ "منه": مؤید دیگری برای مصداق امام علی ﷺ، لفظ "منه" در این فراز از آیه شریفه است. این لفظ بیان می‌کند که "شاهد" در این آیه از پیامبر ﷺ است و این مطلب نیز تداعی‌گر لفظ «انفسنا» در آیه مباهله (آل عمران: ۶۱) و روایات فراوانی از رسول خدا ﷺ است که بیان می‌کند امیرالمؤمنین ﷺ از ایشان و به منزله نفس و جان آن حضرت است. مانند این روایت: عَلِيُّ مَنِّي وَأَنَا مِنْهُ ... (طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۶؛ ترمذی، بی‌تا، ج ۵: ۶۳۶؛ احمدبن حنبل، ۱۴۱۹، ج ۴: ۱۶۵. و نیز رک: شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ج ۹؛ حلبی، ۱۴۰۴: ۱۸۳؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷: ۲۵۴).

ب) شیعی بودن مصادر روایی: با در نظر گرفتن مطالب گذشته می‌توان به بطلان ادعای رشید رضا پی برد که می‌گفت مصادر روایاتی که مصداق "شاهد" را امام علی ﷺ می‌دانند، شیعی است، زیرا چنانکه پیش از به‌طور مفصل ذکر شد، بسیاری از اهل سنت همچون شیعه این روایات را در کتب خود ذکر کرده بودند، پس بطلان این ادعا نیز مشخص است.

در پایان با توجه به آنچه در این پژوهش ذکر شد، ترجمه صحیح این آیه بیان می‌شود: آیا کسی که از ناحیه پروردگارش بصیرتی الهی و برهانی چون نور روشن دارد (رسول خدا صلی‌الله) و کسی دنبال او می‌رود که از خود اوست (امام علی علیه‌السلام) و بر صحت امر او استقامت و بر کار او شهادت می‌دهد، مثل کسی است که چنین نباشد؟ و

۱. علامه طباطبایی روایات شیعه و اهل سنت را در این زمینه بررسی کرده، سپس به اثبات این مطلب درباره امیرالمؤمنین ﷺ می‌پردازد. نک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۱: ۳۸۷.

پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (گواهی بر آن می‌دهد)، آن (حق طلبان و حقیقت‌جویان) به او ایمان می‌آورند و هر کس از گروه‌های مختلف به او کافر شود، آتش وعده‌گاه اوست، پس تو درباره نور خودت (قرآن) در شک مباش که آن حق است و از ناحیه پروردگار توست، ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند.

نتیجه‌گیری

برخی از اهل سنت سعی دارند تا با استناد به ادله روایی، انتساب آیه ۱۷ سوره هود به حضرت علی علیه السلام را نادرست قلمداد کنند و مصادیق دیگری را برای عنوان "شاهد" در آیه مذکور، صحیح جلوه دهند؛ اما استنادات آنان، پشتوانه روایی محکمی نداشته است. چرا که روایات مزبور از یک سو ضعیف و جعلی هستند و از سوی دیگر با ظاهر آیه شریفه سازگاری ندارند. بر همین اساس روایتی که دلیل عمده اهل سنت برای تشکیک در مصداق امیرالمؤمنین علیه السلام است، مستند به راویانی بوده که تاریخ خود بهترین گواه برای کاذب و جاعل بودن آنهاست. در همین زمینه شیعه به ارائه دلایل متقن روایی و دلالتی خود برای تطبیق لفظ "شاهد" بر امیرالمؤمنین علیه السلام پرداخته و با استناد به روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، خود آن حضرت، ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر صحابه و تابعین، شخص امیرالمؤمنین علیه السلام را تنها مصداق "شاهد" دانسته است و این مصداق را با روایات و سیاق آیات شریفه سازگار می‌خواند.

منابع

قرآن کریم.

١. آلوسی، سید محمود (١٤١٥ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیة، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٢. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (١٤٠٤ ق)، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیة الله المرعشی النجفی.
٣. ابن أبی حاتم، عبدالرحمن بن محمد (١٤١٩ ق)، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی، مکتبه نزار مصطفی الباز.
٤. _____ (١٢٧١ ق)، الجرح والتعدیل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٥. ابن اثیر (بی تا)، الکامل فی التاریخ، بی جا، بی نا.
٦. ابن بابویه، محمد بن علی (١٣٧٦)، الأمالی، تهران، کتابچی.
٧. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (١٤٢٢ ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق المهدي، بیروت، دار الكتاب العربی.
٨. _____ (١٤٠٦ ق)، الضعفاء والمتروکین، تحقیق عبدالله قاضی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٩. ابن حبان، محمد (بی تا)، المجروحین، تحقیق محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی.
١٠. ابن حجر العسقلانی، أبوالفضل أحمد بن علی (بی تا)، تعریف اهل التقديس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، تحقیق عاصم بن عبد الله القریونی، الأردن، مکتبه المنار.
١١. _____ (١٤٠٦ ق)، تقریب التهذیب، سوریه، دار الرشید.
١٢. _____ (١٤٠٦ ق)، لسان المیزان، تحقیق دائرة المعارف النظامیه، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۱۳. ابن سعد أبوالولید الباجی، سلیمان بن خلف (۱۴۰۶)، *التعدیل والترجیح*، تحقیق أبولبابه حسین، ریاض، داراللواء للنشر والتوزیع.
۱۴. ابن شاذان قمی، أبو الفضل شاذان بن جبرئیل (۱۳۶۳)، *الفضائل*، قم، رضی.
۱۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ ق)، *مناقب آل أبی طالب علیهم السلام*، قم، علامه.
۱۶. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (۱۴۲۲ ق)، *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ ق)، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۸. ابو الصلاح الحلبی، تقی بن نجم (۱۴۰۴ ق)، *تقریب المعارف*، تحقیق فارس تبریزیان (الحسون)، قم، الهادی.
۱۹. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد جعفر یاحقی؛ محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۰. ابوالفتوح رازی أبوعیسی الترمذی السلمی، محمد بن عیسی (بی تا)، *الجامع الصحیح سنن الترمذی*، تحقیق أحمد محمد شاکر، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۱. أحمد بن محمد بن حنبل، أبوعبدالله (۱۴۱۹ ق)، *مسند احمد بن حنبل*، تحقیق السید أبوالمعاطی النوری، بیروت، عالم الکتب.
۲۲. اصبهانی، أبونعیم أحمد بن عبدالله بن أحمد (۱۴۰۵ ق)، *الضعفاء*، تحقیق فاروق حماده، بی جا، دارالثقافة - الدارالبیضاء.
۲۳. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰ ق)، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر.
۲۴. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق قسم الدراسات الإسلامیه مؤسسه البعثة، قم، مؤسسه بعثه.
۲۵. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۳۹۶ ق)، *الضعفاء الصغیر*، تحقیق محمود ابراهیم زاید، حلب، دارالوعی.

٢٦. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (١٤١٥ ق)، *لباب التاویل فی معانی التنزیل*، تحقیق محمد علی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیة.
٢٧. بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠ ق)، *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*، تحقیق عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
٢٨. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر بن داود (١٤١٧ ق)، *جمل من أنساب الأشراف*، تحقیق سهیل زکار؛ ریاض الزرکلی، بیروت، دارالفکر.
٢٩. بلخی، مقاتل بن سلیمان (١٤٢٣ ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبد الله محمود شحاته، بیروت، دار إحياء التراث.
٣٠. بیضاوی، عبدالله بن عمر (١٤١٨ ق)، *أنوارالتنزیل وأسرارالتأویل*، بیروت، داراحیاءالتراث العربی.
٣١. ثعلبی نیشابوری، ابو اسحاق احمد بن ابراهیم (١٤٢٢ ق)، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٣٢. ثقفی، ابراهیم بن محمد (بی تا)، *الغارات*، تحقیق سید جلال الدین المحدث، بی جا، بی نا.
٣٣. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق)، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
٣٤. حسکانی، عبید الله بن احمد (١٤١١ ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
٣٥. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر (١٩٨٢ م)، *نهج الحقّ و کشف الصدق*، بیروت، دارالکتاب اللبنانی.
٣٦. حلّی، سید علی بن طاووس (بی تا)، *سعد السعود للنفوس منضود*، قم، محمد کاظم الکتبی.
٣٧. ذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد (١٩٩٥ ق)، *میزان الإعتدال فی نقد الرجال*، تحقیق الشیخ علی محمد معوض؛ الشیخ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیة.
٣٨. _____ (بی تا)، *المعنی فی الضعفاء*، تحقیق نورالدین عتر، بی جا، بی نا.
٣٩. رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (١٤٢٠ ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴۰. رشید رضا (۱۴۲۷-۱۴۲۸ ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت- لبنان، دارالفکر.
۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت، دارالعلم الدار الشامیة.
۴۲. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیةالله مرعشی نجفی.
۴۳. _____ (بی تا)، أسماء المادلسین، تحقیق محمود محمد محمود حسن نصار، بیروت، دارالجيل.
۴۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه.
۴۵. طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۱۵ ق)، المعجم الأوسط، تحقیق طارق بن عوض الله بن محمد؛ عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، قاهره، دارالحرمین.
۴۶. _____ (۱۴۰۴ ق)، المعجم الكبير، موصل، مكتبة العلوم و الحكم.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۴۸. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفة.
۴۹. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق)، الأملی، تحقیق مؤسسه البعثة، قم، دارالثقافة.
۵۱. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ ق)، تفسیر نور الثقلین، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۵۲. غرناطی الکلبی، محمد بن أحمد بن محمد (۱۴۰۳ ق)، کتاب التسهیل لعلوم التنزیل، لبنان، دار الكتاب العربی.
۵۳. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر.

٥٤. فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤١٠ ق)، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت.
٥٥. قرطبی، محمد بن احمد (١٣٦٤)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
٥٦. قندوزی حنفی (بی تا)، ینایع المؤدّه لذوی القربی، بی جا، بی نا.
٥٧. کلینی، محمد بن یعقوب (١٤٠٧ ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری؛ محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
٥٨. کوفی، فرات بن ابراهیم (١٤١٠ ق)، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق محمد کاظم، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی.
٥٩. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (١٤٠٣ ق)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٦٠. مرعشی شوشتری، قاضی نورالله (١٤٠٩ ق)، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
٦١. مصطفوی، حسن (١٣٦٠)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
٦٢. مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ ق)، الأمالی، تحقیق حسین ولی استاد؛ علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.
٦٣. بلخی، مقاتل بن سلیمان (١٤٢٣ ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحياء التراث.
٦٤. نسائی، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (١٣٦٩ ق)، الضعفاء والمتروكين، تحقیق محمود ابراهیم زاید، حلب، دار الوعی.
٦٥. هیثمی، نورالدین علی بن أبی بکر (١٤١٢ ق)، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، بیروت، دارالفکر.